



پذیرایی یمنی

شده وقت مانور آخرتان
گیر کرده ست توی گل خرتان
تا که آمد صفیر موشک ها
رفت بلا صدای عررتان
سرو پای برهنه گر خریدید
ریخت بد جور کرتان، پرتان
آبروی شماست می ریزد
هر دم از توی پاچه ی ترتان!
می خورید از همه طرف ترکش
آبکش شد تمام پیکرتان
یمن آماده پذیرایی ست!
می رسد هر کجا به محضرتان
گاه چون چوب لای چرخ شماست
ولی این بار کرده پنچرتان
نشده خوب جای ضربت قبل
می خورد ضربه جای دیگران
سنگ توی سرید از هر سو
می خورد کی به سنگ پس سرتان؟
قابل التیام نیست به کل
زخم کاری به قلب لشکرتان
زود تسلیم شوم فری نیست
ترکیده ست چون که سنگرتان
باید از روی نقشه محو شوید
می شود رفته رفته باورتان

موضوع انشاء:

در آینده می خواهید چکاره بشوید؟

بشویم به صرفه تر است؛ چون اساساً یک روز مرد بیشتر نداریم و تازه هدیه همان هم یا جوراب است یا هرچی که بابایمان پولش را به مامان بدهد. تازه مامان ها همیشه گوگولی و خوشگل و مهربان اند ولی سبیل باباها صورت آدم را خط خطی می کند. مامان ها دست هایشان همیشه نرم است اما باباها دست های خش دار دارند که آدم وقتی می خواهد دستشان را بگیرد، مدام دلش قیلی ویلی می رود. مامان ها بلند پیتزا و کیک شکلاتی درست کنند و ما اگر مامان بشویم تا ابد برای خودمان کیک شکلاتی درست می کنیم. تازه رویش هر چقدر بخواهیم اسمارتیز هم می ریزیم ولی قبلش باید به بابای بچه ها بگوییم سر راه اسمارتیز بخرد و بابای بچه ها هم همیشه یادش می رود بخرد و ما کیک شکلاتی خالی می خوریم که باز بهتر از هیچی است. کاش می شد ما با حفظ سمت بابا هم باشیم تا خودمان اسمارتیز هم بخیریم. امیری می گوید آدم نمی تواند در یک لحظه دو نفر باشد. ما یک بار خواستیم هم سر درس و مشقمان باشیم و هم فیفا بازی کنیم، نشد. پس ضمن اینکه امیری غلط کرده، این بار راست می گوید، نمی شود!

من می خواهم مامان بشوم. امیری بغل دستی مان، می گوید ما نمی توانیم مامان بشویم، اما بابایمان می گوید امیری غلط کرده، هیچکس نمی تواند بگوید ما چه کاری نمی توانیم بکنیم جز مامانمان. البته ما به بابایمان نگفتیم که می خواهیم مامان بشویم، طفلکی گناه دارد. او هم مثل هر بابایی دلش می خواهد ما راهش را ادامه بدهیم و بابا بشویم. ولی بابا بودن خیلی سخت است و اصلاً مزایا ندارد و ما باید حواسمان باشد که گلیم خودمان را از آب بیرون بکشیم. امیری می گوید نمی شود از این ضرب المثل اینجا استفاده کرد، ولی امیری غلط کرده، ما استفاده می کنیم.

ما می خواهیم مامان بشویم چرا که مامان شدن خیلی مزایا دارد. وقتی مامان بشویم هم روز مادر کادو می گیریم هم روز دختر هم روز جهانی زن هم روز معلم. بالاخره مامانمان نقش معلم دوممان را هم در خانه دارد دیگر. تازه روز آشپز و روز زنان خانه دار و روزهای دیگری هم هست که بابایمان باید برای مامان طلا و گل بخرد. با یک حساب سرانگشتی می فهمیم که اگر مامان



تیم مافیا



خشم بزنگان

ما خیلی فحش شنیدیم ولی تحمل کردیم تا نگذاریم سفره مردم کوچک تر شود
اسحاق جهانگیری - معاون اول دولت قبل

ما خیلی فحش شنیدیم ولی ماله کشیدیم تا نگذاریم دولت روحانی آب در دلش تکان بخورد.
محمدباقر نوبخت - سخنگوی دولت قبل

ما خیلی فحش شنیدیم ولی تحمل کردیم اما برنامه ای برای حل مشکلات نداشتیم
علی ربیعی - وزیر رفاه دولت قبل

من خیلی فحش شنیدیم اما تحمل کردم تا مبدا کسی به اسرائیل چیزی بگوید.
مادق زیناکلم - استاد علوم سیاسی دانشگاه

من خیلی فحش شنیدیم که تحمل می کنم، وگرنه که چک خواهم میره زندان میره
علی کریمی - فوتبالیست فراری

من خیلی فحش شنیدیم ولی خودم مالیدم که شما هم برین خودتون بمالین
حسن قاضی زاده هاشمی - وزیر بهداشت دولت قبل

ما خیلی فحش شنیدیم ولی تحمل کردیم تا نگذاریم ضمانت امضای کوری زیر سوال برود.
مهدی رحمانیان - مدیر مسئول روزنامه شرق